

# الجزایر

## در یک نگاه

✍️ نصیر احمد سید زاده

استاد دارالعلوم زاهدان

الجزایر با قسمت دیگر آن متحد شد و به رهبری خاندان بنوحفص بصورت کشور مستقلی درآمد؛ سرانجام دولت بنوحفص اتحاد خود را حفظ نکرد و به چندین قسمت تقسیم شد.

این زمانی بود که دولتهای اروپایی سرگرم تمرکز نیرو علیه مسلمین بودند؛ آنها قبل از همه اندلس را نشانه گرفتند و بر آن تسلط یافتند و بدنبال آن سرزمینهای ساحلی افریقا نیز مورد تاخت و تاز اروپائیان قرار گرفت.

الجزایر نیز بخاطر عدم ثبات داخلی در معرض خطر بود، در آنزمان دولت عثمانی در ترکیه بزرگترین قدرت مسلمانان محسوب می شد. بنابراین الجزایر برای رهایی از خطرات احتمالی، از دولت عثمانی خواست سرزمینش را تحت حمایت خود قرار دهد، دولت عثمانی به این درخواست لبیک گفت و در سال ۹۴۵ هـ ق مصادف با قرن ۱۶ میلادی الجزایر رسماً جزئی از خلافت عثمانی درآمد.

مدهای مدیدی مردم این سرزمین تحت حمایت دولت عثمانی با امنیت و آسایش کامل زندگی کردند؛ توده مردم از وضعیت خوبی برخوردار شدند، رفتار حکام در مجموع خوب و اسلامی بود.

اما به تدریج فضای دینی ضعیف و از قدرت و نفوذ دین در این سرزمین کاسته شد، بسیاری از مسؤولین دولتی گرفتار

الجزایر از نظر جغرافیایی در شمال افریقا واقع است، شمال افریقا مانند شبه جزیره ای است که از سرزمینهای دیگر توسط دریای مدیترانه و از بقیه افریقا توسط صحرا جدا می شود، اعراب این منطقه را «جزیره المغرب» می نامند، این منطقه از ۵ کشور لیبی، مصر، تونس، الجزایر و مراکش تشکیل شده است. الجزایر در همسایگی تونس، لیبی، نیجر، مالی، موریتانی... قرار دارد و از نظر وسعت دومین کشور بزرگ افریقا پس از سودان است و دهمین کشور بزرگ دنیاست.<sup>(۱)</sup> جمعیت این کشور بر اساس سرشماری ۱۹۹۳ م، ۲۶۶۰۰۰۰۰ نفر برآورده گردید.

اسلام مذهب رسمی مردم الجزایر است اکثریت مردم مسلمان این کشور سنی مذهب و مالکی اند و بقیه از پیروان حنفی اند.<sup>(۲)</sup>

روزگاران الجزایر فعلی همراه با دو کشور همسایه خود مراکش و تونس مجموعاً «المغرب» نامیده می شد. این سرزمین در قرن هفتم میلادی برابر با اواسط قرن اول هجری به تصرف مسلمانان درآمد و بدین طریق اسلام در آنجا راه یافت.<sup>(۳)</sup>

فتح این مناطق بدست توانای عقبه بن نافع رضی الله عنه انجام گرفت ایشان در زمان حضرت معاویه مأموریت یافت این مناطق را فتح کند.<sup>(۴)</sup>

مراکش اولین کشوری بود که از این سرزمین جدا شد و به صورت مستقل درآمد. در آن زمان مراکش قسمتهایی از غرب الجزایر فعلی را نیز در برداشت، پس از آن، قسمت غربی

۱- مباحث کشورها و سازمانهای بین المللی ص: ۲

۲- مرتضی اسعدی، جهان اسلام ص: ۱۳۳

۳- مباحث کشورها ص: ۶۷

۴- جهان دیده، علامه عثمانی ص: ۱۰۶

تعصب شدند در این دور انحطاط حسین پاشا از طرف دولت عثمانی به عنوان حاکم مردم الجزایر منسوب شد. حسین پاشا با خود رأیی و حماقت خود باعث شد الجزایر عزیز به چنگ فرانسه بیفتد.

برخی از مؤرخین بر این باورند که چون حسین پاشا اهل الجزایر نبود، دلسوزی زیادی برای مردم الجزایر نشان نداد و کارهایی کرد که سرانجام به تباهی و ویرانی الجزایر انجامید. اما علامه شیخ محمد بیرم تونسلی که در دوره‌ی اخیر از علمای آگاه و متعهد افریقا به حساب می‌آید، با این نظر موافق نیست؛ ایشان معتقد است مسلمانان از هر قوم و از هر سرزمینی باشند خودشان را یک ملت می‌دانند و تاریخ ثابت کرده است که حکمرانانی که از خارج یک کشور می‌آمده‌اند کاملاً وفادار و در خدمت مصالح کشور بوده و حق امانت داری را ادا می‌نموده‌اند بنابراین، سقوط یک کشور اسلامی نتیجه‌ی اجنبی بودن حکمران آن نیست، باید علت واقعی را در چیزی دیگر جستجو کرد.

از بررسی تاریخ این حقیقت کاملاً نمایان می‌شود که هرگاه بزرگان یک سرزمین بد رفتار و بدکردار می‌شوند و در میان مردم معصیت و گناه راه می‌یابد آنگاه وعده خداوند بر آنان صادق می‌آید و خداوند افرادی را بر آنان مسلط می‌کند که آنها را به تباهی بکشاند؛ بنابراین مشکل الجزایر در اصل از زمانی آغاز شد که قسطنطنیه که پایتخت خلافت عثمانی بود دچار انحطاط دینی و اخلاقی شد. مفاسد به ادارات راه یافت و حکام و مسؤولین ناصالح شدند و در نتیجه با روی کار آمدن افرادی مانند حسین پاشا همه مسلمانان متضرر گشتند.<sup>(۱)</sup>

بهر حال از سال ۱۸۳۰ میلادی فرانسویان با بهانه‌های عبث و واهی سعی در اشغال این کشور مسلمان نشین کردند و در اوایل قرن بیستم تمام خاک این کشور زیر چکمه‌های استعماری فرانسویان در آمد.<sup>(۲)</sup>

در واقع الجزایر پربهاترین مستعمرات فرانسه در شمال افریقا بود.<sup>(۳)</sup>

استعمار فرانسه و تسلط آن بر الجزایر بدترین نوع استعمار در عالم اسلام بود تا بدانجا که مسلمین برای عمل کردن به

دینشان حتی در زندگی شخصی با سخت‌ترین مشکلات مواجه شدند، اکثر مساجد بطور کلی منهدم و بسیاری از آنها به کلیسا تبدیل گشت. محدودیتهای شدیدی در رابطه با علوم اسلامی و حتی کاربرد زبان عربی به اجرا درآمد. مردم اجبار شدند در کارها و معاملات روز مره فرانسوی صحبت کنند. از طرفی مسیحیان زیادی را در این سرزمین آورده و اسکان دادند بنحوی که اکثر جمعیت پایتخت (الجزیره) را مسیحیان تشکیل می‌دادند.<sup>(۴)</sup>

مردم الجزایر از دیدگاه قانون شهروندان فرانسه شمرده نمی‌شدند، بلکه رعیت‌های آن به حساب می‌آمدند، هر کارمند اداری فرانسه در برابر الجزایریان از چیرگی و ایمنی مطلق کشوری، لشکری، پلیسی و قضایی برخوردار بود.<sup>(۵)</sup>

جالب اینجاست که با اینهمه خداوند دینش را حفاظت کرد، در همین شرایط سخت مردانی مؤمن و مجاهد به پا خاستند و از علوم دینی، با چنگ و دندان محافظت نمودند؛ کلاس‌هایی به صورت مخفیانه برای تدریس علوم دینی شروع به کار کردند. تعداد کثیری برای تحصیلات عالی به مراکز مختلف از جمله زیتونیه در تونس و جامعه «الازهر» در مصر فرستاده شدند.

از طرفی در گوشه و کنار مملکت تلاش‌هایی علیه استعمار فرانسه شروع شد و رفته رفته این فعالیتها به صورتی منظم شکل گرفت و به نهضتی بزرگ بنام نهضت آزادی تبدیل گشت. نهضت آزادی پس از سالها مبارزه مسلحانه و فداکاریهای بی نظیری توانست کشور را از یوغ استعمار فرانسه آزاد سازد.

نکته اینجاست که استعمار از بین رفت، اما باید گفت با سلطه‌ی دراز مدتی که استعمار بر این سرزمین داشته بود این سرزمین را مثل سرزمینهای دیگر استعمارزده به رنگ خود درآورد و از آنها نسلی ساخت که از نظر سیاسی احساسات ضد استعماری داشتند، اما در قالب اندیشه و عمل کاملاً اروپایی بودند.

۱- صفوة الاعتبار، علامه شیخ محمد بیرم ص: ۹ ج: ۳

۲- وزارت خارجه مباحث کشورها ص: ۸۶

۳- تاریخ معاصر کشورهای عربی ص: ۵۶۷

۴- ترجمه از جهان دیده ص: ۱۱۵

۵- تاریخ معاصر کشورهای عربی ص: ۵۶۸

واقعیت پذیرفته و مقابله با آن را خطری جدی برای خود به حساب می‌آورد. بدین خاطر مقابله را کنار گذاشته و فی الجمله نامی از اسلام و کشورهای اسلامی می‌برد تا دولتش را با خطر جدی مواجه نسازد. این سیاست تقریباً در همه کشورهای اسلامی به نحوی در حال اجرا است.<sup>(۴)</sup>

علامه محمد تقی عثمانی (مدظله) در خاطرات خود از سفری که به الجزایر داشته است در یک بررسی اجمالی از دستاوردهای انقلاب و استقلال الجزایر و نیز در بررسی وضعیت اجتماعی این کشور نکاتی چند را یادداشت کرده است که چند مورد از آنها به قرار زیر است:

۱- به نظر می‌رسد دولت برای سوق دادن مردم به زندگی ساده و دور از اسراف و محدود نمودن کالاهای خارجی جهت تقویت استقلال و خود کفایی تلاشهایی انجام داده است، تزینات و تجملات بی‌جا از زندگی حذف شده و بجای آن تشویق به سرمایه‌گذاری داخلی مورد توجه قرار گرفته است.

در فروشگاههای بزرگ الجزایر اکثر کالاها و مصنوعات داخلی به چشم می‌خورد، پارچه‌هایی که زنان برای خود می‌خریدند بسیار ساده و از جنس داخلی بود.

در تمام الجزایر خیلی کم از پنکه استفاده می‌شود و این در حالی است که در جاهایی گرمی هوا به شدت احساس می‌شود، در هتلها و رستورانها پنکه و کولر به چشم نمی‌خورد، گفته می‌شود این بدین خاطر است که در خود کشور کارخانه ساخت پنکه وجود ندارد.

۲- در طبقات متوسط و نوجوانانی که در حال تحصیل هستند توجه و علاقه زیادی به دین بوجود آمده است در مقابل در شهرهای بزرگ هنوز میخانه و کانونهای فساد رایج است.

۳- زنان سه دسته‌اند: یک دسته به لباس و طرز پوشش قدیم که تنها یک چشم آنها ظاهر است متعهد و پای بند هستند، زنان مسن بیشتر از این دسته‌اند و تعداد آنها هم زیاد است.

در خود نهضت در کنار افرادی که مخلص و اسلام‌گرا بودند، جمع بسیار زیادی وجود داشت که هدفشان بازگرداندن شوکت و قدرت اسلام نبود بلکه احساسات ملی و قومی آنها را وا می‌داشت که علیه بیگانگانی که چشم طمع به کشورشان دوخته بودند مبارزه کنند.

بدین لحاظ نهضت تا این حد که استعمار را براند موفق شد، اما در مراحل بعدی افرادی عنان قدرت را بدست گرفتند که بیشتر از عناصر ملی‌گرا بودند و بعدها همین عناصر در اداره‌ی کشور روشی سوسیالیستی در پیش گرفتند.<sup>(۱)</sup>

در ماههای ژوئیه - سپتامبر سال ۱۹۶۲ بود که الجزایر بنام یک «جمهوری دموکراتیک مردمی» به «هانیان اعلام شد و نخستین دولت مستقل الجزایر را احمد بن بلا بر پا کرد. او در ظرف سی و سه ماه که در رأس قدرت بود موفق به شناساندن الجزایر بعنوان کشور کلیدی آفریقای مستقل و جهان سوم گردید.<sup>(۲)</sup>

و در ۱۹ ژوئن سال ۱۹۶۵، سرهنگ بومدین با برکناری احمد بن بلا قدرت را بدست گرفت و در راه تأسیس یک دولت الجزایری که به راستی سوسیالیست بود قدم برداشت.<sup>(۳)</sup>

بالاخره آرزوهای کسانی که فداکارها و از خودگذشتگیهای زیادی به خرج دادند تا اسلام به قدرت برسد، همه زیر خاک مدفون شد و امیدها به یاس و ناامیدی مبتدل گردید.

آنهايي که در رأس قدرت قرار گرفتند در آغاز مثل ممالک سوسیالیستی سیاستی خشن و انعطاف ناپذیر نسبت به دین و مذهب در پیش گرفتند اما تاکی و تا چه حد می‌توان احساسات مردم را سرکوب کرد؟

سرانجام آنها مجبور شدند در مقابل احساسات مردم نرمش نشان دهند و مقداری از محدودیتهای بردارند.

در سالهای اخیر از یک طرف دولت سیاستی نرم در پیش گرفته و از طرفی مخصوصاً در جوانان احساسات و شعور قابل ملاحظه‌ای برای کشاندن اسلام به صحنه اجتماعی و پیاده نمودن اسلام در هر بخش از زندگی در حال افزایش است به حدی که دولت نمی‌تواند با آن مقابله کند و آنرا به عنوان یک

۱- ترجمه از جهان دیده ص: ۱۱۷

۲- تاریخ معاصر کشورهای عربی ص: ۵۹۶

۳- تاریخ معاصر آفریقا ص: ۳۷۰

۴- جهان دیده

دسته دوم: زنانی هستند که غیر از دست و چهره تمام بدنشان پوشیده است، اینها بیشتر دختران دبیرستانی و دانشگاهی هستند، دسته دیگر مثل زنان غربی بدنشان نیم برهنه با لباس و طرز پوشش غربی هستند که تعداد اینها هم کم نیست.

می‌گویند حالا لباس و پوشش اسلامی مورد توجه بیشتر زنان قرار گرفته است و در جوانان هم شوق و احساسات دینی برای بازگشت به زندگی دینی به سرعت در حال افزایش است.<sup>(۱)</sup>

### دموکراسی و فعالیت احزاب در الجزایر

بر اساس قانون اساسی ۱۳۵۵/۱۹۷۶ تنها حزب سیاسی قانونی الجزایر جبهه آزادیبخش ملی (جبهه التحریر الوطنی) است که ائتلاف آزادی بین گروه‌های ناسیونالیستی فعال در مبارزات استقلال الجزایر علیه فرانسه به حساب می‌آید، از استقلال الجزایر به این طرف این حزب پویایی خود را از دست داده و از جهات متعدد به صورت یک حزب بی پیام و بی رسالت در آمده است. این حزب طرز و نگرشی سوسیالیستی دارد.<sup>(۲)</sup>

### جبهه نجات اسلامی

از جمله احزاب مهم این کشور جبهه نجات اسلامی است که با حزب حاکم در حال جنگ است، در پی شورشهای اکتبر ۱۹۸۸ م شاذلی بن جدید رئیس جمهور قول انجام اصلاحات و تجدید نظر در قانون اساسی را داد. در سال ۱۳۶۸ هـ با تصویب قانون تشکیل احزاب سیاسی در الجزایر احزاب متعددی در صحنه سیاسی کشور ظهور نمودند، در این میان جنبش اسلامی الجزایر نیز در چارچوب حزبی به نام «جبهه نجات اسلامی» فعالیت رسمی و قانونی خود را آغاز نمود و در سال ۱۳۶۹ شمسی در انتخابات شهرداریها در الجزایر برگزار گردید در این انتخابات جبهه نجات اسلامی ۵۴٪ آراء را به خود اختصاص داد و به عنوان اولین قدرت سیاسی کشور شناخته شد. این امر باعث نگرانی دولتمردان الجزایر گردید. در خرداد سال ۱۳۷۰ شاذلی رئیس جمهور حکومت نظامی اعلام کرد و ضمن سرکوبی هواداران جبهه نجات اسلامی رهبران آن را دستگیر کرد.<sup>(۳)</sup>

جبهه نجات اسلامی ضمن تاکید بر حمایت از اسلام و خارج نمودن الجزایر از عقب ماندگی، اسلام را به عنوان جانشین ایدئولوژیهای وارداتی و حلال مشکلات الجزایر دانسته است. این جبهه قانون اساسی فعلی الجزایر را غیر اسلامی می‌داند، گرچه این جبهه از سال ۱۹۹۲ منحل شده لیکن کماکان نیروی سیاسی عمده این کشور باقی مانده است.

### جنبش دموکراتیک الجزایر

این حزب در اردیبهشت ۱۳۶۹ قانونی اعلام شد به رهبری احمد بن بلا رئیس جمهور سابق الجزایر. این حزب ائتلافی از دسته جات مخالف و روشنفکران الجزایر و به تعبیر بعضی یک جنبش میانه روی اسلامی است. این حزب به نظر عده‌ای از کارشناسان، در رده‌ی سومین حزب قدرتمند الجزایر قرار دارد.<sup>(۴)</sup>

### انجمن توحید امت پیرامون قرآن و سنت.

این انجمن اخیراً تشکیل شده و از اولین انجمن در نوع خود در این کشور است. مؤسسين آن متشکل از ائمه مساجد بوده و خود را مستقل و بدور از هرگونه وابستگی به سازمانهای سیاسی و یا دینی معرفی کرده‌اند. این انجمن هدف خود را باز گردانیدن مساجد الجزایر به نقش حقیقی و اولیه‌ی خود که همانا دفاع و حمایت از هویت مقدس مساجد است اعلام داشته است. این انجمن به دفاع از مسلمانان الجزایر و مقابله با جریانهای مخالف اصول اسلام اقدام خواهد کرد.

### حزب اسلامی الامة

این حزب به رهبری یوسف بن الخده اعلام داشته که قصد دارد یک اسلام حقیقی و راستین را جایگزین سیستم کنونی حاکم بر الجزایر کند، به اعتقاد این حزب، اسلام بالاتر و برتر از نظام سوسیالیسم و سرمایه داری می‌باشد.

۱- ترجمه از جهان دیده، اردو، ص: ۱۱۹

۲- میا حث کشورها و سازمانهای بین المللی ص: ۷۸

۳- میا حث کشورها و سازمانهای بین المللی، ص: ۱۰۲

۴- میا حث کشورها و سازمانهای بین المللی ص: ۸۱

## حزب تجمع عرب

این حزب هدف خود را استفاده از زبان عربی در ادارات مدارس، مطبوعات و محافل اجتماعی قرار داده است که در حال حاضر بطور گسترده از زبان قرآن بهره گرفته می‌شود، این حزب همچنین در راه بهبود سیستم آموزش و تدوین قوانین بر اساس شریعت مقدس اسلام تلاش می‌کند. از گروههایی که بنام اصول گرا شهرت یافتند می‌توان «اهل الوعدہ بالقیام» به رهبری مالک بن نبی و «الجماعة الاسلامیه» به رهبری سهنون و «حزب الله الجزایر» که با هدف تشکیل حکومت اسلامی در فروردین ۱۳۶۹ اعلام موجودیت کردند نام برد.<sup>(۱)</sup>

## جمهوری اسلامی ایران و تحولات الجزایر

بر قراری جمهوری اسلامی در ایران تقریباً با آغاز حکومت شاذلی بن جدید در الجزایر بود. پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ملت ایران این کشور را در صف اول کشورهای ضد امپریالیستی و ظلم ستیز قرار داد و همین امر باعث گسترش روابط دو کشور و زمینه مناسبی برای همکاری دو جانبه فراهم آورد.

ناگفته نماند که ملت مسلمان الجزایر نسبت به مسلمانان ایران ارادت و توجه خاصی دارد، بنده ضمن ملاقاتی که با برادران الجزایری داشتم به نوبه‌ی خود عملاً به این مطلب بیشتر پی بردم، آنها هنگامی که خبر شدند من ایرانی هستم خیلی با کنجکاوی و اظهار علاقه تحولات ایران را از من می‌پرسیدند و از ملت ایران به عظمت و بزرگی یاد می‌کردند.

الجزایر با داشتن مسلمانانی مجاهد و نستوه محل آبتن حرکت‌های حیاتبخش اسلامی است که اگر به موقع به مسلمانان این کشور توجه شود و در این کشور از نظر دینی و معنوی سرمایه‌گذاری شود و مهمتر از همه اگر الگوی خوبی جلوی روی آنان قرار داده شود، روزی این کشور می‌تواند امیدها و آرزوها را زنده کند و تصویر خوبی از اسلام و آیین حیاتبخش اسلام در برابر همه مسلمان و جهانیان به نمایش بگذارد و از این طریق چشم جهانیان را به خود معطوف سازد.

بنابر این ملت ایران باید بداند که با تلاش در راه ایجاد فضایی خوب و نمونه در کشور می‌تواند بعنوان الگویی در

جهان مطرح شود و از این طریق بهترین و اساسی‌ترین نقش را در اصلاح جهان و کشورهایمانند الجزایر ایفا نماید.

اگر ملت ایران می‌خواهد برای جهانیان الگو قرار گیرد و رسالتی را که انقلاب اسلامی بر دوش نهاده بنحو احسن ادا کرده و در راه تثبیت ارزشهای اسلامی موفق باشد، باید فضایی خوب و سالم در کشور بوجود آورد فضایی که آکنده از محبت و صفا و احترام به یکدیگر و سلیقه‌های یکدیگر باشد، فضایی که نمایی از اخوت اسلامی، اخلاق محمدی و ایثار و از خود گذشتگی دوران طلایی صحابه باشد فضایی که هر قشر و هر شخص در آن احساس شخصیت کرده و نقش خود را در سرنوشت خود باز یابد.

در چنین فضایی است که هر شخص با روحیه‌ای سرشار جهت روشن ساختن سرنوشت خود و تحقق جامعه‌ای ایده‌آل و نمونه‌آنگونه که اسلام و انقلاب به آنها وعده داده با تمام وجود به میدان می‌آید و تمام ابتکارات و خلاقیت‌های خود را به صحنه می‌آورد.

آیا هیچ فکر کرده ایم که اگر استعداد‌های نهفته در این ملت شریف به موقع شناسایی شده و با تشویق و رهبری صحیح مجال رشد و شکوفایی داده شود می‌توان بار دیگر شاهد بازگشت مجدد عزت مسلمین شد و بار دیگر صحنه‌های صدر اسلام و صحنه‌های مدینه‌ی رسول ﷺ که به حق مدینه‌ی فاضله بود تکرار خواهد شد. حقا که اگر اسلام عزیز به دست افرادی شایسته برسد دوباره خواهد درخشید و با درخشش خود همه‌ی ما و جهانیان را پروانه وار به دور خود جمع خواهد کرد، آنچنان که گویی جهان گم شده خود را پیدا نموده است.

«به امید آرزو»

\*\*\*\*\*

\*\*\*